

بررسی مشکلات مدیران محلی در دو دهه اخیر (مطالعه موردی: روستاهای قلمرو کوچ نشینان شهرستان رضوانشهر)

فرزاد امدادی - دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه ریزی روستایی، گروه جغرافیا، واحد رشت، دانشگاه آزاد اسلامی، رشت، ایران.

تیمور آمار* - دانشیار گروه جغرافیا، واحد رشت، دانشگاه آزاد اسلامی، رشت، ایران.

محمدباست قریشی - استادیار گروه جغرافیا، واحد رشت، دانشگاه آزاد اسلامی، رشت، ایران.

تاریخ دریافت: ۲۸ فروردین ۱۴۰۳

تاریخ پذیرش: ۰۷ مرداد ۱۴۰۳

چکیده

مقدمه: مدیریت روستایی و چگونگی آن در ایران چند قرن سابقه دارد. بررسی این سابقه از یک سو حاوی نکات قابل توجه در روش های اداره روستاهاست و از سوی دیگر متأثر از تجربیات گذشته است، و مشکلات زیادی در روند انجام آن مشاهده می شود.

هدف پژوهش: مطالعه حاضر با هدف بررسی مشکلات مدیران محلی در دو دهه اخیر در روستاهای قلمرو کوچ نشینان شهرستان رضوانشهر انجام شده است. **روش شناسی تحقیق:** پژوهش حاضر از نظر هدف؛ کاربردی و دارای ماهیت تفسیری و تحلیلی و از لحاظ روش در گروه پژوهش های کیفی و کمی قرار دارد. به منظور تجزیه و تحلیل اطلاعات از روش تئوری زمینه ای و نرم افزار SPSS استفاده شده است. روش گردآوری اطلاعات نیز به دو صورت مطالعات اسنادی- کتابخانه ای، مصاحبه و پرسشنامه بود. به منظور بررسی مشکلات مدیران محلی، از روش تئوری زمینه ای استفاده شد و در نهایت با استفاده از آزمون تی تک نمونه ای به شدت و میزان هر یک از مشکلات از دیدگاه جامعه محلی پرداخته شد.

قلمرو جغرافیایی پژوهش: قلمرو مکانی در پژوهش حاضر، سکونتگاه های روستایی قلمرو کوچ نشینان رضوانشهر است.

یافته ها و بحث: مشکلات موجود مدیریت در دو دهه اخیر در روستاهای رضوانشهر شامل: کمبود منابع مالی و اعتباری جهت پیاده سازی برنامه های عمرانی، ضعف در نظارت و کنترل بر عملکرد دهیاری ها و شوراها، تعامل ضعیف با بخش خصوصی در جذب منابع مالی، تعارض منابع و رانت اطلاعاتی، ضعف لجستیک و امکانات جهت اجرا و پیشبرد طرح های عمرانی و چالش های اجتماعی است.

نتایج: شهرستان رضوانشهر، در ابعاد مختلف، مشکلاتی را در مدیریت روستایی شاهد است که به ترتیب اهمیت عبارتند از: عوامل زیست محیطی، اداری - سازمانی، حقوقی، عمرانی و اجتماعی - فرهنگی. در این راستا پیشنهاداتی نظیر حفاظت از محیط زیست در انجام امور عمرانی، ایجاد مدیریت یکپارچه و واحد، ایجاد تغییر در فعالیت های بخشی در سازمان ها در جهت یکپارچه سازی، بررسی موانع مربوط به مشارکت روستاییان و راهکارهای عملی حل مشکل، آموزش، دست اندکاران توسعه در سه سطح عمومی، غیرتخصصی و تخصصی، اعتمادسازی و افزایش اطمینان اجتماعی روستاییان، توجه به مشارکت مردمی و ایجاد نوآوری در مدیریت، بررسی و تجزیه و تحلیل ساختار فعلی مدیریت روستا، اعتبار بخشی به نهاد دهیاری و افزایش اعتماد مردم به آنها و ... ارائه شده است.

کلیدواژه ها: مدیریت محلی، مدیران، روستاهای قلمرو کوچ نشینان، شهرستان رضوانشهر.

مقدمه

یکی از مهم‌ترین ابعاد توسعه روستایی و شاید بتوان گفت مهم‌ترین بعد آن، مدیریت روستایی است که نقش بسیار مهمی در هماهنگی فعالیت‌های توسعه روستایی بر عهده دارد (Leshti Parsa, 2006: 2). از زمانی که در مناطق روستایی فرایندهای سیستماتیک ساختاری حاکم گردید، مفهوم مدیریت روستایی جایگاه ویژه‌ای پیدا نمود و به عنوان یک راهبرد در جهت نیل به توسعه روستایی (Sriram, 2007: 2) و همچنین، یکی از شاخص‌های نوسازی اقتصاد ملی مطرح گردید که در ساختارهای اقتصادی و مدیریتی روستاها از اهمیت بسیار بالایی برخوردار است (Saidi, 1998: 172). و توسعه روستاها جزء از طریق اعمال مدیریت شایسته و کارآمد در این مناطق و بهره‌گیری از شیوه‌های مدیریت مشارکتی مبتنی بر حضور مردم در فرایند توسعه امکان‌پذیر نیست (Alini, 2006: 69).

در این راستا، بررسی مدیریت روستایی در ایران نشان می‌دهد تحولات زیادی در این زمینه رخ داده است و مدیریت روستایی محلی همواره، فراز و نشیب‌های زیادی را پشت سر گذاشته است (Malekan, 2011). مدیریت، فرایند بکارگیری موثر و کارآمد منابع مادی و انسانی در برنامه‌ریزی، سازمان‌دهی و ... است (Rezaian, 2002: 6). آنچه در زمینه مدیریت روستایی مهم است، اثر تفاوت‌های روستایی و نقش این تفاوت‌ها بر برنامه‌ریزی توسعه روستاییست؛ از این‌رو و مدیریت روستایی از ارکان جدانشدنی توسعه روستایی است (Badri, 2011: 147). از این‌رو، درحال حاضر، مدیریت روستایی در ایران نیز باید بر پایه‌ی شرایط مناطق، با مشارکت نهادهای مردمی و با حمایت بخش‌های خصوصی و دولتی انجام شود. در واقع، پیشرفت، متکی به حضور و مشارکت قانونمند همه مردم در برنامه‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و عمرانی کشور است. در این راستا تشکیل شوراهای اسلامی و در ادامه آن دهیاری‌ها، می‌تواند برای مدیریت مشارکتی در ایران درخور توجه باشد. این گسترش، با وجود شکل‌گیری مدیریت شورایی و اجرایی و اندیشه مشارکت در همه ابعاد زندگی، هنوز عملی نشده است (Ziyari, 2006: 120).

بر این اساس، دهیاری‌ها که نهاد اجرایی و شوراهای اسلامی که نهاد مشورتی و همیار با دهیاری‌ها هستند، در دو دهه گذشته، تحولاتی را در انجام وظایف به وجود آورده‌اند که این تغییرات در راستای مدیریت و توسعه نواحی روستایی بوده است. آنچه که در این زمینه مهم است، میزان و نوع روابط و تعاملات میان این دو نهاد در سطح روستا است؛ زیرا وقتی که در هر سطحی از مدیریت، چند نهاد وجود داشته باشند، بی‌تردید اختلاف نظرهای زیادی نیز مشاهده می‌شود. باتوجه به این‌که شورا، نهاد مشورتی و کمکی برنامه‌ریزی‌شده در کنار دهیاری است، باید روش تعاملات آن‌ها در زمینه مدیریت اقتصادی، اجتماعی، کالبدی و زیست‌محیطی بررسی شود؛ به عبارت دیگر، وضعیت و جایگاه شوراها و دهیاری‌ها در روستاها و روش عملکرد، مشارکت و تعاملات آن‌ها در راستای مدیریت و توسعه نواحی روستایی، موضوعی تاثیرگذار و انکارناپذیر است؛ بر همین اساس این پژوهش درصدد است؛ تا به آسیب‌شناسی مدیریت محلی در شهرستان رضوانشهر پرداخته با توجه به اینکه رضوانشهر در غرب استان گیلان قرار دارد و از حیث جامعه عشایری در استان گیلان نیز سیمای متنوع و گوناگونی دارد و مناطق روستایی آن در سه سطح ارتفاعی پراکنده هستند و همچنین مناطق کوهستانی با مشکلات بیشتری نسبت به مناطق جلگه‌ای برخوردار هستند و در حال حاضر ۱۲۰ روستا دارای دهیاری تمام وقت و نیمه وقت هستند و چالش‌ها و موانع موجود در این زمینه را شناسایی و راهکارهایی برای آن ارایه دهد و به این سوال پاسخ دهد که مشکلات موجود مدیریت محلی در دو دهه اخیر در شهرستان رضوانشهر کدامند؟ چه عواملی سبب بروز چالش‌ها و مشکلات موجود شده است؟

در این راستا، مطالعات ارزشمندی در سطح داخلی و خارجی انجام شده است، که به اختصار به شرح هر یک از آنها پرداخته شده است: Zinati Fakhrabad & Hosseini (2017)، در پژوهشی با عنوان، نقدی بر چالش‌های مدیریتی در جوامع روستایی ایران با تکیه بر راهبردهای نظارتی و عملیاتی، به این نتایج دست یافتند، عدم بهره‌مندی واقع از مردم در مدیریت، نظارت‌های سطحی و پاسخگو بودن صرف مدیر روستا به شوراهای محلی و تعاملات و رابطه بازی در انتخاب مدیر روستا از مهم‌ترین مباحث نظام مدیریت روستایی در ایران می‌باشد. از سوی دیگر تغییر در نظام ارزیابی دهیاران توسط سازمان متولی (وزارت کشور)، واگذاری انتخاب دهیار به مردم و حمایت و ایجاد مشوق‌های مالی و انگیزشی از مهمترین پیش شرط‌های مدیریت اصولی در جوامع روستایی است. Sadeghlo (2020)، در پژوهشی با عنوان، تحلیل سبک مدیریت محلی در مناطق روستایی و تاثیر آن بر میزان مشارکت‌پذیری روستاییان در روستاهای دهستان زرین گل شهرستان علی‌آباد، به این نتایج دست یافتند، در اغلب شاخص‌های پنج گانه (انگیزش، مشارکت در تصمیم‌گیری، تعامل، ارتباطات و اعتماد و اطمینان)، دارای میانگین متوسط هستند، به گونه‌ای که از میان ۱۱ روستا، ۱۰ روستا دارای مجموع میانگین امتیازات شاخص‌های بین ۲/۶ تا ۳/۲۵ یعنی مدیریت مشورتی یک روستا دارای میانگین امتیازات شاخص‌های کمتر از ۲/۶ یعنی دارای سبک مدیریتی غالب دسلوزانه است. از سوی دیگر، ارتباط مستقیمی بین میزان سبک مدیریت و مشارکت‌پذیری روستاییان در روستاهای دهستان زرین گل وجود دارد. Nasiri Lakeh (2021)، در

تحقیقی با عنوان، نقش مدیریت روستایی در توسعه اقتصادی - اجتماعی روستاهای ناحیه مرکزی استان گیلان، به این نتایج دست یافتند، در بعد اقتصادی، گویه‌های برآورد و تنظیم بودجه سالانه دهیاری، صدور پروانه کسب، تاثیر بهبود مدیریت نوین بر توسعه اقتصادی روستا، انواع بیمه-های روستایی و تهیه طرح‌ها و پیشنهادات اصلاحی در بخش اقتصادی با کسب بیشترین امتیازات نسبت به سایر گویه‌ها از اهمیت بالایی برخوردارند و تاثیرگذاری بیشتری دارند. در بعد اجتماعی نیز، گویه‌های همکاری با سازمان ثبت احوال، شناخت کمبودهای اجتماعی و ارائه طرح معرفی خانواده‌های بی سرپرست به بهزیستی، فراهم کردن امکانات فرهنگی، آموزشی و تهیه طرح، با کسب بیشترین امتیازات، نسبت به سایر گویه‌ها تاثیرگذاری بیشتری داشتند.

Haj Alidades et al (2022)، در پژوهشی با عنوان، آسیب‌شناسی مدیریت روستایی از دیدگاه مردم در روستاهای ناحیه مرکزی استان اردبیل، به این نتایج دست یافتند، مدیریت جدید روستایی با توجه به نوبا بودن نیازمند مدیران کارآمدی است که بتواند با تکیه بر اراده مردم و حفظ ساختار اجتماعی و ارتباط رسمی و منطقی با دولت، ضامن برقراری ارتباط پایدار، دوسویه مردم و حکومت بوده و بخشی از وظیفه مدیریت و تحول در جامعه را بر عهده داشته باشد. Maududi (2023) نیز، مودودی ارخودی و جمعه‌زاده، در پژوهشی با عنوان، ارزیابی عملکرد مدیریت محلی در توسعه پایدار روستایی در دهستان برنطین، به این نتایج دست یافتند، میزان رضایت از عملکرد مدیریت محلی در شاخص اقتصادی کمتر از سایر شاخص‌ها بوده است.

در مطالعات خارجی نیز، Wong et al (2017)، به این نتایج دست یافتند که با استفاده از اثرات ثبات و متغیرهای مورد بررسی حکمروایی، کیفیت پروژه‌های روستایی بهبود خواهد یافت، همچنین وجود مدیران جوان روستایی و نظارت ساکنان روستاها در مدیریت و نظارت بر پروژه-های روستایی نیز بر این امر تاثیر مثبت داشته‌اند. Oyelana & Thakathi (2017)، به این نتایج دست یافتند که اکثر مدیران محلی در آفریقای جنوبی در اجرای استراتژی موثر توسعه اقتصادی محلی، سیاست‌های نامناسب دولت ملی و استانی، شیوه‌ها و الزامات سنگین ناتوان هستند. فساد، فرهنگ عدم پرداخت و عدم پاسخگویی از چالش‌های عمده در اجرای سیاست‌های اقتصادی-اجتماعی است. Daftary (2019)، در تحقیقی با عنوان، بررسی نقش احزاب و حکومت‌های محلی در توسعه بازارهای روستایی، به این نتایج دست یافتند، گسترش بازارها با استفاده از تمرکززدایی دموکراتیک باعث اصلاحات اقتصادی در دولت و افزایش عدالت توزیعی شده است. Brooks et al (2020)، در مقاله‌ای تحت عنوان، تغییر مدیریت ساحلی و دریایی: دموکراسی عمدی و مدیریت یکپارچه در نیو ساوت ولز استرالیا، با مطالعات اسنادی و کتابخانه‌ای به این نتایج دست یافتند، دستیابی به یکپارچگی در سراسر آژانس‌های چندگانه با رویکردهای رشته‌ای مختلف و فرهنگ‌های سازمانی، مقدار قابل توجهی زمان نیاز دارد حتی پس از چندین سال، چالش‌ها در جای دادن تغییرات فرهنگی و تعهد منابع در تمام سطوح باقی می‌ماند تا از اجرای موفق مدیریت اطلاعات فوری اطمینان حاصل شود. Sun (2021)، در مقاله‌ای تحت عنوان، چگونگی مدیریت فضایی در توسعه روستایی در مناطق کشاورزی چین، با مطالعات اسنادی و کتابخانه‌ای به این نتایج دست یافتند، حاکمیت فضایی روستایی، فضای مادی و روابط فضایی به عنوان اموال حکومتی در نظر گرفته می‌شوند و توزیع عادلانه فضا را با مشارکت ذینفعان متعدد در توسعه روستایی ادغام می‌کند.

پارادایم مدیریت روستایی در محوره‌های مدیریت زمین و تولیدات کشاورزی، مدیریت زیرساخت‌ها و خدمات زیربنایی، مدیریت مالی و نظام درآمد هزینه‌ها برای روستاها، مدیریت محیط زیست و توسعه پایدار برای کاهش فقر و برقراری عدالت اجتماعی، قابل بررسی است (Anabestani & Hataminezhad, 2012: 126). بررسی جنبه‌های مختلف این محورها، بیان کننده جنبه وسیع مدیریت روستایی بوده که شدت و ضعف در عملکرد و اجرای آن گامی به عنوان راهبرد اساسی در برنامه‌های کلان مطرح بوده است. مدیریت روستایی همزمان با پیدایش اولین روستاها آغاز شده و در طول تاریخ با توجه به مقتضیات اقتصادی، اجتماعی، محیطی، زمانی و مکانی از مکانی به مکان دیگر متفاوت بوده است. این نوع از مدیریت از زمانی که در مناطق روستایی فرایند سیستماتیک ساختاری حاکم گردید، مفهوم آن جایگاه ویژه‌ای پیدا نمود و به عنوان یک راهبرد در جهت نیل به توسعه روستایی مطرح شد (Srriam, 2007: 3). صاحب‌نظران، اصطلاح مدیریت روستایی را مترادف با توسعه روستایی می‌دانند و حوزه فعالیت مدیریت روستایی را فراتر از محدود خدماتی و قانونی روستا می‌دانند و علاوه بر حیطه‌ها و وظایف مذکور، در چارچوب مکان و مرزبندی‌های مشخص، دامنه فعالیت مدیریت روستایی را پیگیری نظام‌مند تمامی امور مربوط به روستا مانند کشاورزی، صنایع و خدمات روستایی و ... تعریف می‌کنند (Wenchang, 2008: 4). از این رو، مدیریت محلی به عنوان نزدیک‌ترین لایه دولت به مردم (Ibietan, 2010: 30)، نقش مهمی در توسعه مناطق روستایی بر عهده دارد (Pugalis & Tan, 2017: 9)، و همچنین

نقش اساسی در شکل‌گیری نگرش‌های مدنی و دموکراتیک دارد و ایجاد سرمایه اجتماعی و تقویت پیوندهای جامعه مدنی به عنوان یکی از راهکارها برای مقابله با چالش‌های جدید حاکمیت محلی شناخته شده است (Teles, 2012: 20-31).

بررسی تحولات روستایی پیش از مشروطیت نشان می‌دهد تا هنگام پیدایش نخستین نشانه‌های دولت مدرن در ایران و تأسیس نهاد قانون گذاری، تحولات روستاهای ایران، متأثر از وضعیت اداره کشور و متکی بر قوانین عرفی ناشی از شرایط فرهنگی، دینی، سیاسی و اجتماعی بود. روابط و تحولات در محیط روستاها با یکدیگر و یا با نواحی شهری، بر پایه خواست و نیاز مالک نظم می‌یافت و به جزء موارد خاص عملاً برنامه یا اراده خاصی برای بهبود وضعیت روستاییان از طریق حکومت مرکزی وجود نداشت. در این دوران مدیریت روستایی به شیوه‌ها و شکل‌های سنتی امور عمومی ده خود را اداره می‌کرد. در این میان نقش کدخدا تعیین‌کننده بود زیرا وی فردی بود که از یک سو به رعیت‌ها تعلق داشت و از سوی دیگر انتصاب او به این سمت را مالکان انجام می‌دادند، و نقش واسطه و نیز اداره امور جماعت را بر عهده داشت تا به گونه‌ای کدخدانخانه و در حد توش و توان رعیت کار بهره‌کشی از رعایا را سامان دهد. اما به تدریج با شکل‌گیری انجمن عمران ده در سال ۱۱۳۴ و انجمن ده در سال ۱۳۳۵، مدیریت روستایی وارد مرحله جدیدی گردید که با استفاده از کدخدا به عنوان بازوی اجرایی به اعمال سیاست‌های توسعه روستایی می‌پرداختند (Wadai, 2005: 185). بعد از انقلاب اسلامی وظیفه مدیریت روستایی بر عهد شورای اسلامی روستا قرار گرفت که جایگزین انجمن ده شده بود، اما به مدت ۲۰ سال بدون بازوی اجرایی به فعالیت خود ادامه می‌داد. با تصویب قانون تأسیس دهیاری‌ها در سال ۱۳۷۷، دهیاری به عنوان بازوی اجرایی شورای اسلامی روستا در نوک پیکان مدیریت روستایی قرار گرفت. مدیریت روستایی در ایران طی دهه‌های اخیر شاهد تغییرات و تحولات متعددی در عرصه نهاد تصمیم‌گیری و اجرایی بوده است. ساختار مدیریت روستایی کنونی حاصل تصویب قانون تشکیلات، وظایف و انتخاب شوراهای اسلامی کشور و به تبع آن قانون تأسیس دهیاری‌های خودکفا در روستاهای کشور که وظیفه تصمیم‌گیری را بر عهده شورای اسلامی روستا و وظیفه اجرای مصوبات بر عهده دهیاری قرار دارد (Islamic Council Research Center, 2007).

از این رو، با نگاهی به تحولات مدیریت روستایی در ایران، به ویژه بعد از اصلاحات ارضی دهه ۱۳۴۰، نشان می‌دهد این نهاد نتوانسته به ثبات لازم برای تحقق وظایف خود دست یابد و با مشکلاتی مانند تغییرات قوانین، ابهام در جایگاه قانونی و وظایف و نیز کمبود منابع مالی و انسانی مواجه بوده است (Imani Jajarmi & Abdillahi, 2010, 233). در بعد از انقلاب نیز علی‌رغم خدمات گسترده‌ای که از سوی دولت و نهادهای انقلابی در روستاها صورت گرفته، هنوز فاصله بین واقعیت‌های موجود و اهداف توسعه بسیار زیاد است. از این رو، ایجاد زمینه توسعه تا حد زیادی در گرو تحقق یافتن مدیریت کارآمد اجرایی در روستاها است. در واقع، طی چند دهه اخیر توسعه روستایی در ایران به طور اعم و مدیریت روستایی به طور اخص از روندی اندیشیده و طراحی شده منسجمی برخوردار نبوده و با وجود اقدامات قابل توجه و سازنده در برخی از مناطق اما گسیختگی اهداف و برنامه‌ها و فقدان راهبردهای مشخص برای توسعه روستایی وجود دارد (Saidi, 1998: 4).

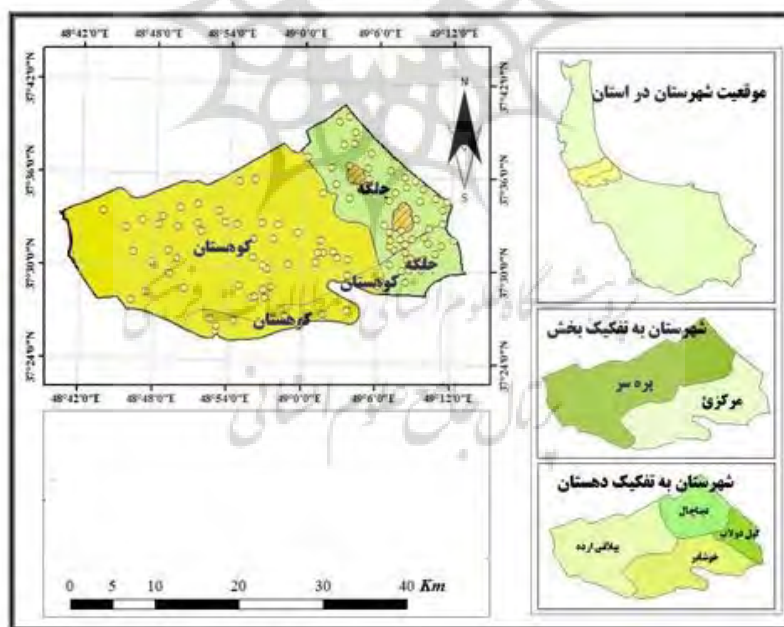
روش پژوهش

پژوهش حاضر از نظر هدف؛ کاربردی و دارای ماهیت تفسیری و تحلیلی و از لحاظ روش در گروه پژوهش‌های کیفی و کمی قرار دارد. به منظور تجزیه و تحلیل اطلاعات از روش تئوری زمینه‌ای و نرم‌افزار SPSS استفاده شده است. روش گردآوری اطلاعات نیز به دو صورت مطالعات اسنادی و کتابخانه‌ای و مصاحبه و پرسشنامه بود. به منظور بررسی مشکلات مدیران محلی، از روش تئوری زمینه‌ای استفاده شد و در نهایت با استفاده از آزمون تی تک نمونه‌ای به شدت و میزان هر یک از آنها از دیدگاه جامعه محلی پرداخته شد.

جامعه آماری تحقیق حاضر جمعیت و خانوارهای ساکن در کلیه روستاهای کوهستانی، کوهپایه‌ای، جلگه‌ای و ساحلی شهرستان رضوانشهر، دهیاران و اعضای شورای اسلامی روستاست. با توجه به موضوع تحقیق و محدود بودن تعداد دهیاران و شوراهای اسلامی روستا، حجم نمونه تحقیق کلیه دهیاران و روسا و اعضای شورای اسلامی روستاهای قلمرو کوچ‌نشینان شهرستان رضوانشهر هستند که بر اساس نمونه‌گیری هدفمند تعداد ۲۶ نفر تعیین شدند. در بخش مردم با توجه به تعداد خانوارهای ساکن در روستاها که برابر ۱۳۴۹۸ خانوار و ۳۱۱۶۵ نفر جمعیت است، ۶۷۵ خانوار، با خطای ۵٪ و طبق فرمول کوکران، حجم نمونه بوده که از بین آنها، تعداد ۳۷۰ نفر به عنوان جامعه نمونه انتخاب شدند.

قلمرو جغرافیایی پژوهش

شهرستان رضوانشهر در شمال غربی استان گیلان، بین سواحل دریای خزر و رشته کوه‌های تالش قرار دارد و از دو بخش جلگه‌ای و کوهستانی تشکیل شده است. این شهرستان از شمال به دریای خزر و شهرستان تالش، از غرب به شهرستان خلخال (استان اردبیل)، از جنوب به شهرستان‌های صومعه سرا و ماسال و از شرق با شهرستان بندر انزلی مرز مشترک دارد. این شهرستان از جمله محدوده‌هایی است که در استان گیلان زندگی کوچ نشینی در آن جریان دارد و هر سال در تاریخ ۱ خرداد، دامداران منطقه شهرستان رضوانشهر ۱۵ هزار دام خود را از مناطق جلگه‌ای به مراتع ییلاقی انتقال می‌دهند. این کوچ در چند مرحله به مناطق بالا دست ادامه دارد. در جریان انتقال دام‌ها، دامداران به همراه خانواده در مسیر کوچ حضور دارند و برای گذراندن فصل گرم تابستان در مناطق خوش آب و هوا و مراتع سرسبز ییلاقات خود را آماده می‌کنند این شهرستان از موقعیت جغرافیایی ممتازی برخوردار می‌باشد بدین معنا که گلوگاه ارتباطی بخش‌های مرکزی، غربی و شمالی استان محسوب شده و در مدخل شاهراه ارتباطی گیلان به استان اردبیل و کشورهای قفقاز و روسیه قرار گرفته است. مساحت این شهرستان ۲۹۴/۷۷۰ کیلومتر مربع می‌باشد. این شهرستان از نظر نا همواری به دو منطقه کوهستانی و جلگه‌ای تقسیم می‌شود تقریباً همه رودخانه‌های شهرستان از منطقه کوهستانی به جلگه سرازیر می‌شود که مهمترین آنها رودخانه دینچال، شفارود و چاکرود است. نام قدیمی رضوانشهر، رزوند یا رزونده یا رزوندی بوده است که بعداً به صورت رضوان‌ده و رضوانشهر درآمد. این محل تا سال‌های ۱۳۰۰ خورشیدی چندان رونقی نداشت. در دوران انقلاب جنگل، جاده موسوم به شاه‌عباسی بازسازی و بهره‌برداری دوباره شد. این جاده با گذر از رضوان‌ده، گسگرات را به آبادی ساحلی شفارود پیوند می‌داد. در سال ۱۳۱۵ نیز جاده بندر انزلی به آستارا ساخته شد و درست در محل کنونی رضوانشهر جاده شاه‌عباسی را قطع نمود. طبق سر شماری سال ۱۳۹۵ ۲۲۳۴۶ خانوار با جمعیتی بالغ بر ۶۹۸۶۵ نفر در این شهرستان سکونت دارند. که ۳۱۱۶۵ نفر آن در جامعه روستایی و ۳۸۷۰۰ نفر در منطقه شهری ساکن هستند. همچنین قابل ذکر است، ۲۱۸ خانوار جمعیت کوچنده در رضوانشهر وجود دارد که نوع زندگی آنها، زبان، موسیقی، غذاهای محلی، پوشاک، ترانه، صنایع دستی، رقص و لباس‌های محلی به همراه آیین‌هایی مانند جشن‌های محلی و ...، موجب تنوع چشمگیری در بین سایر شهرستان‌های دیگر استان شده است.



شکل ۱. نقشه پراکندگی مناطق روستایی شهرستان رضوانشهر (منبع: شناسنامه آبادی‌های استان گیلان، ۱۳۹۵)

یافته‌ها و بحث

مطالعه‌ی زمینه‌ای، درباره درک مشکلات مدیریت روستایی در ناحیه مورد مطالعه، برای جلوگیری از داوری شخصی در هنگام ترتیب داده‌ها، مصاحبه‌های ضبط شده، یادداشت‌های شخصی که در طی تحقیق توسط پژوهشگر انجام می‌شد، جمع‌آوری و مورد بازنگری و اصلاح قرار داده

شد. این کار به عدم دخالت عقاید و ارزش‌های پژوهشگر در امر تحلیل کمک می‌کند. در این راستا، در گام اول به کدگذاری باز پرداخته شد. کدگذاری باز یک بخش از تجزیه و تحلیل است که شامل شناسایی، نام‌گذاری، دسته‌بندی و تشریح پدیده‌های موجود میان داده‌ها می‌باشد. در این مرحله هدف، درک مفاهیم مستتر در گفته‌های مصاحبه‌شونده است. نام برخی از مفاهیم از دانش پیشین گرفته شده و نام برخی مفاهیم ابداع شده توسط پژوهشگر و یا ذکر شده توسط مشارکت‌کنندگان و معطوف به داده‌های موجود است. در این مرحله به طور کلی حدود ۳۷ مفهوم از متون مصاحبه استخراج گردید. سپس در مرحله بعد، کدهای اولیه به علت فراوانی آنها به کدهای ثانویه تبدیل شد (کدهای اولیه در قالب طبقه‌های مشابه قرار می‌گیرند). در جدول (۱)، نتایج کدگذاری باز بر اساس کد ثانویه، کدهای مفهومی و مقولات ارایه شده است.

جدول ۱. مقولات حاصل از مصاحبه‌های استخراج شده

مقوله	تعداد واحد معنایی	کد مصاحبه شونده
کمبود منابع مالی و اعتباری جهت پیاده‌سازی برنامه‌های عمرانی	۶	X1, X3, X4, X5
ضعف در نظارت و کنترل بر عملکرد دهیاری‌ها و شوراهای	۷	X11, X14, X18, X19, X20, X22
تعامل ضعیف با بخش خصوصی در جذب منابع مالی و اعتباری برای رونق تولید	۴	X22, X23, X24, X25
تعارض منابع و رانت اطلاعاتی و بروز منابع در بدنه مدیریت محلی	۵	X11, X13, X14, X16, X18, X19
ضعف لجستیک و امکانات جهت اجرا و پیشبرد طرح‌های عمرانی در روستا	۶	X6, X7, X8, X10, X1
چالش‌های اجتماعی	۱۱	X10, X13

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۹



شکل ۲. شمایک آسیب‌شناسی مدیران محلی، منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۹

بر اساس جدول (۱) و شکل (۲)، مشکلات موجود مدیریت در دو دهه اخیر در روستاهای رضوانشهر شامل: کمبود منابع مالی و اعتباری جهت پیاده‌سازی برنامه‌های عمرانی، ضعف در نظارت و کنترل بر عملکرد دهیاری‌ها و شوراهای، تعامل ضعیف با بخش خصوصی در جذب منابع مالی، تعارض منابع و رانت اطلاعاتی، ضعف لجستیک و امکانات جهت اجرا و پیشبرد طرح‌های عمرانی و چالش‌های اجتماعی است. سپس هر یک از مقولات مطرح شده در قالب پرسشنامه منعکس شد، و در میان جامعه محلی توزیع شد تا به بررسی و میزان اهمیت هر یک از آنها پرداخته شود. نتایج به شرح جدول (۲) است.

جدول ۲. تحلیل میزان مشکلات مدیران محلی

مشکلات مدیران محلی		میانگین	T	سطح معناداری (۲) دامنه	فاصل اطمینان تفاوت ۹۵٪ پایین بالا
کمبود منابع مالی و اعتباری جهت پیاده‌سازی برنامه‌های عمرانی		۳/۶۰	۳۳/۹۵	۰/۰۰۰	۳/۷۲ ۳/۵۳
ضعف در نظارت و کنترل بر عملکرد دهیاری‌ها و شوراهای		۳/۴۴	۳۳/۳۰۲	۰/۰۰۰	۳/۵۶ ۳/۳۴
تعامل ضعیف با بخش خصوصی در جذب منابع مالی و اعتباری برای رونق تولید		۳/۶۴	۳۳/۲۸۹	۰/۰۰۰	۳/۷۲ ۳/۵۶
تعارض منابع و رانت اطلاعاتی و بروز منابع در بدنه مدیریت محلی		۳/۵۲	۳۳/۸۳۴	۰/۰۰۰	۳/۶۷ ۳/۴۲
ضعف لجستیک و امکانات جهت اجرا و پیشبرد طرح‌های عمرانی در روستا		۳/۴۲	۳۳/۳۰۰	۰/۰۰۰	۳/۵۳ ۳/۳۴
چالش‌های اجتماعی		۳/۳۲	۳۳/۳۰۴	۰/۰۰۰	۳/۴۵ ۳/۲۴

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۹



شکل ۳. میزان اهمیت هر یک از مشکلات مدیران محلی از دیدگاه جوامع محلی، منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۹

مطابق جدول (۲)، نتایج به دست آمده حاکی از مقدار میانگین‌های به دست آمده بالاتر از حد متوسط عدد (۳)، می‌باشد، و همچنین؛ از بین مشکلات مطرح شده، به ترتیب تعامل ضعیف با بخش خصوصی در جذب منابع مالی و اعتباری برای رونق تولید با مقدار ۳/۶۴، کمبود منابع مالی و اعتباری جهت پیاده‌سازی برنامه‌های عمرانی با مقدار میانگین ۳/۶۰، تعارض منابع و رانت اطلاعاتی و بروز منابع در بدنه مدیریت محلی با مقدار ۳/۵۲، ضعف در نظارت و کنترل بر عملکرد دهیاری‌ها و شوراهای با مقدار ۳/۴۴، ضعف لجستیک و امکانات جهت اجرا و پیشبرد طرح‌های عمرانی در روستا با مقدار ۳/۴۲ و چالش‌های اجتماعی با مقدار ۳/۳۲، بیشترین و کمترین میزان را از دیدگاه جوامع محلی به خود اختصاص داده‌اند.

مدیریت محلی یا روستایی همواره با چندین مشکل مواجه بوده و مسائل پشت پرده‌ای نیز دنبال می‌کرده است که باعث عدم توجه وافی به پیش زمینه‌های اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و...؛ در اجرای صحیح این مدیریت در روستاها شده است. از مسائل پشت پرده می‌توان به اهتمام دولت و بوروکراسی دولتی برای ورود به روستاها و تحکیم پایه‌های سیاسی خود نام برد و دیگری تبدیل روستاییان به مصرف‌کنندگان تولیدات مصرفی چه غربی و چه داخلی و در یک معنا ورود در نظام جهانی سرمایه‌داری است. براین اساس و با توجه به مطالعات انجام شده می‌توان به این نکته اشاره نمود که آسیب‌های مدیریت روستایی منشا درون سازمانی داشته و علت اصلی آن تعارض سازمانی موجود است. در این قسمت عوامل و علل موثر بر مدیریت روستایی به تفکیک مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

کمیود منابع مالی و اعتباری جهت پیاده‌سازی برنامه‌های عمرانی

با توجه به وظایف دهیاران، رعایت ضوابط ساخت و ساز و صدور پروانه‌های ساختمان در داخل بافت روستا، پیگیری تهیه و اجرای طرح‌های روستایی، بهبود بخش مسکن و ایجاد هماهنگی بین برنامه‌های مقاوم سازی در مقابل زلزله، جلوگیری از حفر چاه‌های غیرمجاز و کنترل برداشت از چاه‌های مجاز، روش‌های جمع آوری زباله و دفن فاضلاب روستایی، نحوه تسهیل فرایند همکاری با بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، نقش دهیاران در امداد رسانی در مواقع بحرانی، نقش دهیاران در نگهداری تأسیسات عمومی (آب، برق، گاز، ...) و اموال و دارایی‌های روستا، خدمات روستایی و بهبود عبور و مرور روستایی و امکانات زیربنایی، تملک اراضی مورد نیاز برای توسعه روستایی از شاخص‌های عمرانی در حیطه مسئولیت آنها محسوب می‌شود. دست‌اندرکاران توسعه بر این باورند که اجرای طرح‌های عمرانی به‌واسطه نبود زیرساخت‌های فرهنگی و امکانات اجتماعی و از طرف دیگر محدودیت‌های منابع اقتصادی و ناکارآمدی نظام اداری و مشکلات حقوقی روستاییان به‌واسطه آثار مخرب زیست‌محیطی به‌جای این که بازوان پرتوان مدیریت توسعه‌ی روستایی تبدیل شوند خود آسیب‌های جدی بر اجرای طرح‌ها را به همراه دارند. به نظر آنان با اجرای هر طرح با موانع فوق‌واسطه‌گری‌ها به‌واسطه نقص حقوق روستاییان رشد نموده و حق مالکیت روستاییان به فراموشی سپرده شده و ضوابط غیرضروری و فاقد ضمانت اجرایی اداری به زندگی روستاییان حاکم می‌شود. مثلاً در بحث برق‌رسانی به روستاها با گاز و جاده و خطوط انتقال گاز حریم‌های گوناگونی برای این خدمات تعریف شده است که گاه بهره‌وری بخش عظیمی از زمین‌های یک روستا را از بین ببرد. مسیر خط لوله گاز رشت به ایران مرکزی که حریم ۵۰۰ متری برای آن تعریف شد. بیش از ۴۰ روستا را با این معضل مواجه کرده است. محدودیت زمین در گیلان نیز از جهت دیگر به این مضامین می‌افزاید.

ضعف در نظارت و کنترل بر عملکرد دهیارها و شوراهای

از جمله موضوعاتی که در زمینه دهیاران و شوراهای اسلامی اهمیت دارد، چگونگی روابط و تعاملات آنها در حل مسائل روستایی است. این تعاملات می‌توانند در ابعاد اقتصادی، اجتماعی، کالبدی و زیست محیطی گنجانده شوند. توجه به این نوع تعاملات و سنجش و بررسی وضعیت هرکدام از این شاخص‌ها در این زمینه می‌تواند به کارایی و جایگاه این نهادها در توسعه روستایی کمک کند و برخی ضعف‌های موجود را شناسایی و برطرف کند. یکی از ضعف‌هایی که در حال حاضر در مناطق روستایی احساس می‌گردد عدم نظارت بر کار دهیاران است. مناطق روستایی در دهه اخیر غالباً خدمت رسانی بوده و عمده وظایف دهیار، در جمع آوری پسماند، مبلان روستایی و جدول کشی بسنده شده است. هر چند دهیاری‌ها برای انجام موفقیت آمیز وظایف خود نیز با محدودیت‌ها و تنگناهایی مانند غیرشفاف و محدود بودن بودجه و منابع مالی، موازی کاری و تداخل وظایف دستگاه‌های متعدد اجرایی، ضعف تعامل و عدم هماهنگی سازمان‌های مرتبط با امور روستایی درگیر هستند. همچنین دهیاری‌ها در اغلب موارد، فاقد توانمندی لازم در زمینه برنامه‌ریزی و توسعه اقتصادی روستاها هستند و نهاد کارآمد برای توانمندسازی مستمر و نظارت بر عملکرد آنها وجود ندارد. به عبارتی بخش‌داری‌ها در سطح بخش و فرمانداری‌ها در سطح شهرستان به عنوان نهادهای ناظر بر عملکرد دهیاری‌ها، هستند اما در عمل به لحاظ غلبه وظایف سیاسی‌شان، توان فنی و تخصصی لازم برای برنامه‌ریزی توسعه‌ای در روستاها و فراهم آوری امکانات مناسب و هدایت دهیاری‌ها به سمت عملیاتی‌سازی این برنامه‌ها و همچنین نظارت بر اجرای آنها را ندارند. بنابر این لازم است تا به منظور حل ضعف‌ها و چالش‌های دهیاری‌ها، فقدان یک نظام مطلوب مدیریت توسعه روستایی در سطح ملی، منطقه‌ای و محلی (سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی، هماهنگی در اجراء نظارت و ارزشیابی) و به منظور رفع این چالش‌ها و پوشش ضعف‌ها، دهیاری‌ها باید ذیل یک سازمان مستقل و تخصصی توسعه روستایی بگیرند تا براساس برنامه اقدام مناسب و ظرف یک دوره زمانی مشخص، به منظور راهبری توسعه روستایی در سطح محلی توانمند شوند.

تعامل ضعیف با بخش خصوصی در جذب منابع مالی و اعتباری برای رونق تولید

از منظر دست‌اندرکاران توسعه روستایی عمده‌ترین آسیب‌های مربوط به مدیریت روستایی مربوط به مشکلات اقتصادی حاکم بر روستاهاست. در این راستا مواردی چون ایجاد زیرساخت‌های غیراصولی، ایجاد مکان‌های صنعتی جدید در بخش‌های کشاورزی روستاها، تحت‌الشعاع قرار گرفتن منابع درآمدی مردم بر اثر ایجاد طرح‌های اقتصادی در روستا (منابع آب، حق ورود و رفت و آمد به زمین‌ها و بهره‌برداری از جنگل و مرتع در طرح‌های توسعه اقتصادی منجر به محدود شدن منابع درآمدی مردم می‌شود) ایجاد طرح‌های عمرانی در بخش کشاورزی مثل تسطیح اراضی و شیوه‌های بهره‌برداری نادرست از درآمدهای روستاییان و ... سبب می‌شود که مدیریت روستایی به مشکلات متعددی مواجه گردد.

تعارض منابع و رانت اطلاعاتی و بروز منابع در بدنه مدیریت محلی

در سال‌های اخیر، سوء استفاده مالی از قدرت و تصمیم‌گیری در جهت اهداف شخصی و محافل گروهی، نظر بسیاری از دلسوزان و اندیش ورزان را به خود جلب است. از آنجا که این امر، تبعیض و فساد به حساب می‌آید، و موجب بی‌عدالتی در روستاها می‌گردد از سال ۸۲ تا ۹۷ نزدیک به ۱۹ هزار میلیارد تومان اعتبار به دهیاری‌ها تخصیص داده شده و از این میزان ۱۹ درصد در دولت نهم اختصاص یافته است اما ۸۱ درصد منابع ما از این ۱۹ هزار میلیارد تومان در دولت یازدهم و دوازدهم تخصیص داده شده است. اما هر روز مشکلات بیشتری در مناطق روستایی مشاهده می‌گردد. در واقع در برخی از روستاها دهیاران و یا شوراهایی فعالیت می‌کنند که با رانت‌خوار در روستاها با توسل به ابزارهایی که دیگران بدان دسترسی ندارند مانند دسترسی به طرح هادی، وابستگی به افراد صاحب نفوذ، دسترسی به مجوزهای خاص و در اختیار داشتن برخی اطلاعات، استفاده از تسهیلات بخش دولتی به نفع افراد حقیقی و برخی روستائیان تلاش می‌کنند و تمام توان خود را برای حفظ و گسترش ثروت‌های آنچنانی به کار می‌بندند. این عمل نوعی اشرافیت اقتصادی ایجاد می‌کند که پیامد آن ناهمگونی اقتصادی و بیکاری در سطح وسیع است و موجب از بین رفتن عدالت در عرصه تولید و انباشت سرمایه در دست گروهی خاص خواهد شد. در بخش‌های مختلف تحقیق در رابطه با آسیب‌های مدیریت روستایی بیان گردید. در ادامه نیز، به مواردی اشاره شد که موجب رانت اطلاعاتی در سطح روستاها می‌شود.

- ≠ اطلاع و دسترسی به طرح هادی و کاربری‌های زمین روستایی و عدم وجود ارگان نظارتی که موجب ارزان خریدن زمین روستائیان می‌گردد
 - ≠ عدم وجود سازمان‌های نظارتی که موجب استفاده ناصحیح از مستندات و اطلاعات در روستا می‌گردد.
 - ≠ اطلاع از ایجاد پل، و یا جدول کشی و تعیین کاربری موجب رانت اطلاعاتی در روستا می‌گردد که در نهایت موجب ارزان خریدن زمین و منابع روستائیان می‌گردد.
 - ≠ اطلاع از بخش نامه‌ها و دستورالعمل‌های مرتبط در حوزه‌های عمرانی، اقتصادی در سطح روستاها .
 - ≠ اطلاع از انجام طرح‌ها و پروژه‌های عمرانی در سطح روستا
- از آنجا که افراد هر روستا بیشترین آگاهی را نسبت به ظرفیت‌های محلی و برخی عرصه‌ها به ویژه عرصه‌های اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و رفاهی را دارند. لذا سپردن تصمیماتی در حد سیاست‌های کلان، مسائل امنیتی، مسائل خارجی و نظام دفاعی متمرکز را به دولت مرکزی و سپردن ظرفیت‌های محلی را شوراهای گزینیه‌مناسبی است. بنابراین یکی از ویژگی‌های شورای خوب استفاده از ظرفیت‌های محلی است.

ضعف لجستیک و امکانات جهت اجرا و پیشبرد طرح‌های عمرانی در روستا

توزیع متعادل امکانات و خدمات‌رسانی بهینه به سکونتگاه‌های روستایی، عامل مهمی در توسعه، عمران و آبادانی روستاها می‌باشد، در واقع توزیع عادلانه امکانات و ثمرات توسعه در میان اکثریت جمعیت، از خصیصه‌های مهم اقتصادی سالم و پویاست، جهت تحقق این امر، سعی در کاهش نابرابری‌ها و عدم تعادل، از طریق تدوین و اجرای برنامه‌های متعدد محرومیت زدایی، توزیع متعادل و متوازن منابع و امکانات و خدمات‌رسانی و گسترش همه جانبه نتایج مثبت توسعه یافتگی، در راستای تحقق توسعه پایدار روستایی دارند. و، نقش بسزایی در محرومیت‌زدایی و گسترش سطوح دسترسی به خدمات و امکانات عمرانی و رفاهی برای روستائیان دارند. دهیاری به عنوان نهادی عمومی و غیردولتی، متولی اداره امور روستا است و عهده‌دار تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری‌های بالادست و به عبارتی سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌های کشور، در سطح محلی است. بنابراین نهاد دهیاری موظف است با ارایه خدمات و امکانات زیرساختی و رفاهی مناسب، منجر به رضایتمندی ساکنین روستایی شده و شکاف بین شهر و روستا را کاهش دهد در راستای وظایف قانونی محوله به دهیاری‌ها مبنی بر انجام پروژه‌های عمرانی و خدماتی در روستاها، دهیاری‌ها از طریق اعتبارات دریافتی موظف به اجرای پروژه‌های عمرانی در روستاها هستند. اجرای این پروژه‌ها در روستاها باعث ارتقاء شاخص‌های کالبدی و زیست محیطی بوده که بهبود کیفیت زندگی در روستاها را سبب می‌شود در این راستا تکمیل پروژه‌های نیمه تمام در چارچوب وظایف قانونی در زمینه اجرای پروژه‌هایی همچون بهسازی معابر، احداث ساختمان دهیاری، مدیریت پسماند، ایمنی و آتش‌نشانی، ساماندهی آرامستان و احداث غسالخانه، ساماندهی گلزار شهدا، ساماندهی اماکن ورزشی و فرهنگی، ایجاد و ساماندهی بوستان روستایی به دهیاری‌های کشور واگذار گردیده اما در بسیاری از مناطق روستایی نبود ماشین‌آلات و ابزار و یا کمبود نیروی کار موجب گردیده

است تا مدیریت روستایی از این بابت دچار چالش گردد نبود ماشین آلات و ابزار کار در روستاهای نمونه موجب شده تا مدیران روستایی شهرستان رضوانشهر با این آسیب روبرو باشند.

چالش‌های اجتماعی

توجه به ورزش و سلامت روستاییان، حفظ سلامتی و بهداشت محیط روستاها، اهتمام در ثبت وقایع حیاتی (تولد، مرگ، ازدواج، طلاق)، برگزاری مراسم و اردوهای فرهنگی - مذهبی شاخص‌های اجتماعی و فرهنگی مورد توجه دهیاران، با توجه به وظایف آنهاست. پیشینه ناموفق اجرای طرح‌های دولتی در روستا، وجود قدرت‌های موازی یا اثرگذار، عدم اتکا برنامه‌ها بر سنت‌ها، باورها و اعتقادات مردم (فرهنگ عامه)، غیرهدفمندی برنامه‌های فرهنگی (همانند جشنواره‌های فرهنگی، کشاورزی)، اختلافات محلی در روستا، فقدان روحیه توسعه و از همه مهم‌تر ضعف اعتماد اجتماعی بین مردم و مسئولین و مدیریت روستایی با مدیریت کلان توسعه روستایی و ... آسیب‌های موثر در مدیریت روستایی محسوب می‌شوند.

نتیجه‌گیری

نظام ساختاری عملکردی کنونی مدیریت روستایی کشور، گویای این است که مدیریت روستایی با وجود نهادسازی و استقرار نهاد دهیاری‌ها و شوراهای اسلامی، همواره با نگاهی بالا به پایین، با روستا و روستاییان روبه‌رو شده و مردم در هیچ سطحی از فرآیند برنامه‌ریزی و مدیریت توسعه‌ی سرزمین خود دخالت و مشارکت داده نمی‌شوند. فقدان الگوی حکمروایی خوب روستایی که می‌تواند زمینه ساز حضور و مشارکت فعال مردم در نظام مدیریت و برنامه‌ریزی باشد، بسیار کم‌رنگ بوده و یا در اغلب روستاها دیده نمی‌شود. این نوع نگرش و رویکرد سنتی حاکم بر ساختار مدیریت روستایی کشور، بدون در نظر گرفتن نقش و جایگاه مردم، نه تنها در راستای تحقق اصول توسعه‌ی پایدار روستایی حرکت نخواهد کرد بلکه همواره به عنوان یک اصل بازدارنده در توسعه‌ی پایدار روستایی عمل خواهد کرد و تمامی برنامه‌های مربوط به توسعه و عمران سکونتگاه‌های روستایی کشور را بی‌نتیجه خواهد گذاشت. از این رو، شهرستان رضوانشهر، در ابعاد مختلف، آسیب‌هایی را در مدیریت روستایی شاهد است که یافته‌ها حاکی از آن است که:

تنوع طبیعی و زیستی استان گیلان با وجود همه ویژگی‌های خود، شکننده، تأثیرپذیر و گاه برهم‌زننده چرخه‌ی زیستی انسانی و طبیعی است. در همین راستا در مدیریت روستایی مشکلاتی را پدید می‌آورد. در این خصوص ۹۴ درصد از دست‌اندرکاران روستایی و مردم اذعان می‌دارد که برخی طرح‌های توسعه منجر به آلودگی بیشتر و تخریب گسترده‌تر محیط زیست می‌شود (پسماندهای خانگی، صنعتی و ...) و گاه منابع اصلی تأمین مواد غذایی دام‌ها و خودشان را از آنها دریغ می‌کند و محدود سازی جنگل‌ها و مراتع، تخریب جنگل یا اجرای طرح‌های احیای جنگل و ایجاد جاده‌های مربوط به معادن، بهداشت روستا، زباله و ... از این‌گونه عوامل محسوب شده که باعث می‌شوند مدیریت روستایی نمی‌تواند به اجرای طرح‌های جدید و توسعه متوازن همت گمارد. به‌کارگیری آلاینده و با ورود برخی منابع غذایی جدید مثل آرزولا که خود به معضلی برای کشاورزان تبدیل شد، بروز سیلاب‌ها و از طرف دیگر ناتوانی شوراها در حل مشکلات زیست محیطی می‌تواند مانعی بزرگ بر سر راه مدیریت روستایی باشد. یکی دیگر از مهمترین چالش‌ها، نبود توجه همه جانبه و یکپارچه به مسائل است، به گونه‌ای که توجه به اهداف مجرد، بخشی و جزئی‌نگر، در نابسامانی شرایط اجتماعی، اقتصادی و سیاسی نیز اثرگذار است، که به نوبه آن، تبعات مختلفی را در نهادهای روستایی دارد. همچنین قابل ذکر است، بخشی از آسیب‌های ناشی از مدیریت اجرایی در روستاهای مورد مطالعه، مربوط به مشکلات اقتصادی حاکم در روستاهاست. در این راستا، مواردی از جمله: ایجاد زیرساخت‌های غیراصولی، ایجاد مکان‌های صنعتی در بخش‌های کشاورزی، ایجاد طرح‌های عمرانی در بخش کشاورزی مثل تسطیح اراضی و شیوه‌های بهره‌برداری نادرست از درآمدهای روستاییان، افزایش فعالیت‌های توریستی و درآمدزایی برای روستاییان و ... سبب شده اجرای طرح‌های عمرانی بر اساس مبانی اجتماعی-فرهنگی و نیز به دلیل نظام اداری ناکارآمد با موفقیت همراه نیست. دیگر مانع مهم در این امر، نشأت گرفته از حقوق و قانون است. یافته‌ها حکایت از آن را دارد که حق مالکیت مردم در روستا با نظام اداری همساز نیست و نمی‌تواند مشکل روستاییان را در مواقع ضروری مرتفع سازد. در بخش اجتماعی و فرهنگی نیز، وجود قدرت‌های موازی یا اثرگذار، عدم اتکا برنامه‌ها بر سنت‌ها، باورها و اعتقادات مردم، غیرهدفمندی برنامه‌های فرهنگی، و ...، عاملی مهمی در آسیب‌های وارده به مدیریت روستایی قلمداد می‌شود. در نهایت در راستای نتایج تحقیق، راهکارهای ذیل نیز پیشنهاد شد:

- برگزاری دوره‌های آموزشی برای دهیاران و اعضای شورای اسلامی جهت آشنایی به قوانین حقوقی و اجرایی مدیریت روستا و وظایف آنها و

- همچنین انتخاب افراد بومی ساکن در روستا برای مدیریت روستایی و تغییر برخی قوانین دست و پاگیر؛
- ارایه خدمات اولیه تولید به روستاییان با قیمت بسیار پایین، تغییر منابع درآمدی روستا در راستای بهبود کیفیت زندگی روستاییان، جلوگیری از مهاجرت و فروش زمین به غیربومیان و حفظ آداب و سنن روستاییان و بافت سنتی روستاها؛
 - تغییر نگرش مدیران محلی و همچنین مدیران سازمانی نسبت به همکاری با یکدیگر و قبول مدیران محلی توسط مدیران سازمانی و ارگان‌های دولتی؛
 - مدیران بومی ساکن، آگاه و متعهد به روستا یا محله توسعه‌گراست و فقدان هرکدام از این سه ویژگی می‌تواند آسیب‌زا باشد؛
 - ساختار شکننده زیست بوم استان و آسیب‌های وارده بر آن در طی سال‌های اخیر به دلیل تعارض قوانین و نفوذهای متعدد سازمان‌ها و افراد، دستکاری مقررات و ... همچنان بر آسیب‌پذیری آنها اضافه شده است؛
 - قوانین و مقررات حاکم بر روابط مدیران محلی، سازمان‌ها و ادارات از چند مشکل اساسی رنج می‌برند: اول آنکه کشور شمول هستند؛ دوم شرایط اقلیمی گیلان و سایر استان‌های ساحلی با دیگر استان‌ها، عمیقاً متفاوت است؛ سوم نظام مدیریت محلی به دلیل بسیاری از تغییرات در شرح وظایف و همچنین قوانین درحال گذار تشکیل شوراهای دهیاری‌ها مرتباً دچار سردرگمی است؛ چهارم آنکه اعمال نفوذ در تهیه و اجرای طرح‌های عمرانی روستایی که سبب می‌شود بهم ریختگی محیطی و منظری را به دنبال داشته باشد؛ و
 - امنیت عمومی و امنیت اجتماعی مدیریت جامعه محلی با گذر زمان، کم فروغ و ثبات شغلی آنها عملاً مفهومی جز وابستگی ندارد، به همین دلیل مدیریت محلی وابسته است به نظر شوراها و احکام امنیتی دولتمردان؛ از انتخاب تا صدور حکم مدیریت و همچنین استمرام فعالیت به عنوان مدیر. همین مساله سبب شده است مدیریت محلی فشار از پایین و چانه زنی بالادست را در دستور کار خود قرار دهد که خود موجب تغییرات و تصمیم‌گیری‌ها خواهد شد.

سپاسگزاری

مقاله حاضر مستخرج از رساله دکتری رشته جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی بوده که در گروه جغرافیای دانشگاه آزاد اسلامی واحد رشت انجام شده است.

منابع

- ایمانی جاجرمی، حسین؛ کریمی، علیرضا. (۱۳۸۸). چالش‌های اجتماعی شوراهای روستایی در مدیریت محلی. مجله توسعه روستایی، شماره ۱. صص ۱۹-۱۱۴. [sid. https://sid.ir/paper/385111/en](https://sid.ir/paper/385111/en)
- حاج علیزاده، احمد؛ مولایی هاشچین، نصرالله؛ باسط قریشی، محمد؛ آمار، تیمور. (۱۴۰۱). آسیب‌شناسی مدیریت روستایی از دیدگاه مردم در روستاهای ناحیه مرکزی استان اردبیل. مسکن و محیط روستا. شماره ۱۸۰.
- رضائیان، علی. (۱۳۸۰). اصول مدیریت، انتشارات سمت.
- زیاری، یوسف. (۱۳۸۴). بررسی عملکرد شوراهای اسلامی شهر در مدیریت شهری، نشریه مدیریت، شماره ۳، صص ۳۴-۲۰. <http://ensani.ir/fa/article/36641>
- زینتی فخرآباد، حسین؛ حسینی، نسیمه. (۱۳۹۷). نقدی بر چالش‌های مدیریتی در جوامع روستایی ایران با تکیه بر راهبردهای نظارتی و عملیاتی. مجله علمی رویکردهای پژوهشی در علوم اجتماعی. سال ۴. شماره ۱۳. صص ۹۱-۹۷. https://rassjournal.ir/afile/5-17-2018_12-12-55.pdf
- سعیدی، عباس. (۱۳۷۷). توسعه پایدار و ناپایداری توسعه روستایی، فصلنامه مسکن و انقلاب. شماره ۸۲. صص ۱۷-۲۲.
- صادقلو، طاهره. (۱۳۹۹). تحلیل سبک مدیریت محلی در مناطق روستایی و تاثیر آن بر میزان مشارکت‌پذیری روستاییان در روستاهای دهستان زرین گل شهرستان علی‌آباد. پژوهش‌های جغرافیای انسانی، دوره ۵۲، شماره ۳. صص ۸۵۱-۸۷۰. https://jhgr.ut.ac.ir/article_69935.html?lang=en
- عنابستانی، علی اکبر؛ حاتمی‌نژاد، حجت. (۱۳۹۱). مدیریت نوین روستایی و نقش آن در تحول مسکن با توجه به عملکرد دهیاران (مطالعه موردی: دهستان میشن خاص شهرستان ایلام). مجله جغرافیا و برنامه‌ریزی منطقه‌ای. سال ۲. شماره ۲. صص ۱۲۱-۱۴۰. [sid. https://sid.ir/paper/224092/en](https://sid.ir/paper/224092/en)
- علینی، محسن. (۱۳۸۵). بررسی زمینه‌های تاریخی و چالش‌های ساختاری مدیریت روستایی در ایران، تحول اداری، دوره دهم، شماره ۵۰، ص ۶.
- <https://ensani.ir/fa/article/38039>
- لشتی پارسا، روحاالله. (۱۳۸۵). ارزیابی اثر بخشی عملکرد دهیارهای شهرستان بروجرد، پایاننامه کارشناسی ارشد توسعه روستایی، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران <https://lib.ut.ac.ir/site/catalogue/1355376>

- ملکان، احمد. (۱۳۹۰). بررسی مدیریت روستایی در ایران با تاکید بر نقش شورا و دهیاری، ماهنامه دهیاری‌ها، شماره ۳۵، صص ۷-۱۱. <http://ahsandi.ir/Dehyariha/Dehyari-35.pdf>
- مودودی ارخودی، مهدی؛ جمعه‌زاده، اسماعیل. (۱۴۰۲). ارزیابی عملکرد مدیریت محلی در توسعه پایدار روستایی منطقه مورد مطالعه: دهستان برنطین. جغرافیا و روابط انسانی، دوره ۶، شماره ۴، صص ۱۰۳۸-۱۰۴۵. https://www.gahr.ir/article_197817_d49f94cec504240d24cf8d08846446f0.pdf
- نصیری لاکه، محمد؛ مولایی هاشجین، نصرالله؛ پوررمضان، عیسی. (۱۴۰۰). نقش مدیریت روستایی در توسعه اقتصادی-اجتماعی روستاهای ناحیه مرکزی استان گیلان. اقتصاد فضا و توسعه روستایی. ۱۰ (۳۵)، صص ۹۱-۱۱۰. URL: <http://serd.khu.ac.ir/article-1-3670-fa.html>
- ودیدی، کاظم. (۱۳۸۴). مقدمه‌ای بر روستائینوی ایران. تهران: انتشارات مؤسسه آموزش و تحقیقات دانشگاه تهران.
- Brooks, K., Barclay, K., Grafton, R. Q., & Gollan, N. (2020). Transforming coastal and marine management: Deliberative democracy and integrated management in New South Wales, Australia. Marine Policy, 104053. <https://researchportalplus.anu.edu.au/en/publications/transforming-coastal-and-marine-management-deliberative-democracy>
- Daftary, D. (2019), Elected local bodies, space, and the governance of market expansion in rural India, Geoforum, vol 103, pp 105-113 <https://www.sciencedirect.com/science/article/abs/pii/S0016718519301204>
- Ibietan, J. (2010). The role of local government in rural development issues. Knowledge Review, 20(2), 30 -38. https://rdsj.torbath.ac.uk/article_58452.html
- Oyelana, A. A., Thakhathi, D. R. (2017). Challenges Confronting Amathole District Municipality Managers in Implementing Socioeconomic Strategies in Rural Communities. Studies of Tribes and Tribals, 15(1), 39-44.
- Pan Sun a, Li Zhou b, Dazhuan Ge a c, Xiaoxue Lu a, Dongqi Sun d, Mengqiu Lu e, Weifeng Qiao. 2021. How does spatial governance drive rural development in China's farming areas? Habitat International. Volume 109, March 2021, 102320.
- Pugalis, L., Tan, S. (2017). Metropolitan and regional economic development: Competing and contested local government roles in Australia in the 21st century. Australian and New Zealand Regional Science Association International. <https://opus.lib.uts.edu.au/handle/10453/81975>
- Sriram, M. S. (2007). Rural management education in India: A retrospect. http://vslir.iima.ac.in:8080/jspui/bitstream/11718/232/1/2007-04-01_MSSriram.pdf
- Teles, F. (2012). Local governance, identity and social capital: a framework for administrative reform. Theoretical and Empirical Researches in urban management, 7(4), 20 -34. United Nations. (2014). World Urbanization Prospects.
- Wenchang, W. (2008). Rural Management-The Way Out for Tibetan Rural Areas, Business and Public Administration Studies, 3(3), 75-75. <https://www.bpastudies.org/index.php/bpastudies/article/view/70/139>
- Wong, H. L., Wang, Y., Luo, R., Zhang, L., & Rozelle, S (2017), Local governance and the quality of local infrastructure: Evidence from village road projects in rural China, Public Economics, v152, 119-132. <https://ideas.repec.org/a/eee/pubeco/v152y2017icp119-132.html>